

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه*
نوشته: شادیه ترابلسی**

ترجمه: هلیا ناصرگیوه چی

چکیده

ترجمه قرآن به فرانسه فارغ از هدف و نیت آن، همواره موضوعی جالب توجه مترجمان بوده است. مشخصه متن عربی به کار رفته در قرآن همانا تکثر معانی، خوانش‌ها^۱ و تفاسیر نامحدود آن است – که از این میان برخی مورد تأیید مفسران بزرگ اسلام هستند – لذا مترجم بایستی این مهم را بداند تا مبادا با ترجمه خود موجب ایجاد نقص یا ابهام در پیام الهی شود؛ به همین خاطر است که در ترجمه قرآن روش‌های متعددی اتخاذ شده تا حتی الامکان خلأهای معنایی پر شوند. به علاوه، متن مقدس قرآن از چنان غنای نگارشی برخوردار است که به گفته مسلمانان به ویژه عرب‌زبان‌ها بی نظیر و غیرقابل تقلید است. بدین ترتیب در میان مترجمان قرآن به فرانسه دو گرایش شکل گرفته است؛ برخی از آنان به زبانی فاخر متوسل می‌شوند تا حتی الامکان غنای نگارشی و سبک متن اصلی را حفظ کنند و سایرین ترجیح می‌دهند از سبک نگارشی قرآن تقلید

* *Revue: Meta: journal des traducteurs / Meta: Translators' Journal*, Volume 45, numero 3, septembre 2000, p. 400-411. URI: <http://id.erudit.org/iderudit/004504ar>

** Chédia Trabelsi. Université de Tunis I, Tunis, Tunisie.

1. lectures.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۶۳ □

کنند تا بتوانند زیبایی آن را منتقل سازند. اما تا چه حد می توان به این ترجمه های تحت اللفظی اعتماد کرد؟

کلمات کلیدی: قرآن، ترجمه، معناشناسی، سبک نگارش، ترجمه قرآن به فرانسه

مقدمه

قرآن مانند تمام متون مقدس نظر خوانندگان و مترجمان همه زبانها؛ مسلمان و غیرمسلمان، موحد و غیرموحد را به خود جلب کرده است.

شایان ذکر است که جذابیت قرآن و همچنین اهدافی که مترجمان دنبال می کنند با توجه به جامعه، مکان، زمان و شرایط سیاسی-مذهبی هر کشور و منطقه متفاوت بوده است (بلاشر،^۱ ۱۹۹۱: ۲۷۷-۲۶۴)؛ و اما در مورد فرانسه، به نظر می رسد که از اوایل قرن هفدهم، قرآن مورد توجه برخی طبقات جامعه - «افرادی چون ولتر و سایر متفکران عصر



روشنگری)^۲ (بلاشر، ۱۹۹۱: ۲۷۰-)، قرار گرفته است (بلاشر، ۱۹۹۱: ۲۷۰). از آن زمان تا کنون همواره بیش از پیش بر تعداد ترجمه های قرآن به فرانسه افزوده می شود. تاکنون بیش از صد و بیست ترجمه از «معانی قرآن»^۳ به زبان فرانسه ارائه شده است.

1. Blachère.

2. la bonne société et Voltaire.

3. des sens du Coran.

مترجمان از ادیان و ملیت‌های مختلف ترجمه‌های خود را در چندین کشور به چاپ رسانده‌اند. اهداف این مترجمان متفاوت است: برخی از این ترجمه‌ها به عنوان ابزاری برای تخریب وجهه اسلام استفاده می‌کنند و برعکس، برخی در پی معرفی و تبلیغ اسلام به غیرمسلمانان هستند و سایرین با ترجمه قرآن، خود را در این میراث جهانی و کمال ذهنی همه آدمیان در دنیا، فارغ از هر دین و مسلک، سهیم می‌دانند.

مترجمان همچنین روش‌های گوناگونی برای ترجمه قرآن در پیش می‌گیرند. برخی از آنان صرفاً به ترجمه قرآن بسنده می‌کنند و سایرین ترجمه خود را با مقدمه‌ای در مورد اسلام، زندگی حضرت محمد (ص)، شأن نزول^۱ سوره‌ها، تفاسیر متعددی که توسط مفسران صورت گرفته و معانی محتمل هر سوره آغاز می‌کنند و این‌گونه سختی ترجمه این کتاب مقدس به زبانی مشخص را به خواننده نشان می‌دهند؛ در واقع هدف مترجمان از این کار، آماده کردن مخاطب غیرمسلمان و غیرعرب‌زبان برای دریافت مفاهیم قرآن به زبان خودشان که متنی است که نه موثق است چرا که صرفاً نسخه‌ای است انسانی از روی متنی الهی و قائم به ذات^۲ و نه امکان نفوذ به همه ابعاد و متعاقباً ترجمه‌اش وجود دارد حال هر چقدر که مفسر یا مترجم خبره باشد.

مترجمان علاوه بر معناسازی، در حوزه زبانشناسی نیز به شیوه‌های متفاوتی عمل کرده‌اند. برخی ترجیح داده‌اند به زبان عربی قرآن وفادار بمانند و در مقدمه ترجمه‌شان نیز این را اعلام کرده‌اند؛ این مترجمان در واقع خواسته‌اند خواننده فرانسوی را با جوهره^۳ و هم‌چنین شکل ظاهری^۴ عربی مقدس به کار رفته در قرآن آشنا کنند. بعضی

→

یادداشت نویسنده: در اسلام می‌گوییم: «ترجمه وجوه یا معانی قرآن» نه «ترجمه قرآن». یادداشت مترجم: از نظر مترجم، منظور نویسنده از این یادداشت این است که چون قرآن وجه‌ها و معانی متفاوتی دارد، انسان هرگز قادر به درک و متعاقباً ترجمه همه این وجوه نیست و هر مترجم تنها می‌تواند یک وجه و یا بعد قرآن را ترجمه کند. بنابراین نمی‌توان گفت: «ترجمه قرآن» و بهتر است بگوییم «ترجمه وجوه یا معانی قرآن».

1. conditions de la révélation.

۲. یادداشت مترجم: طبق گفته بلاشر و کشرید که پایین‌تر نمونه‌هایی از ترجمه آنها را خواهیم دید.

3. fond.

4. forme.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۶۵ □

مترجمان دیگر چون کازیمیرسکی^۱ و مازیغ^۲ که در ادامه نمونه‌ای از ترجمه‌هایشان را خواهیم دید، زبان مقصد را ارجح دانسته و با این شیوه به حفظ جوهره قرآن پرداخته‌اند. بدیهی است که هر یک از این ترجمه‌ها، تاثیر - و در نتیجه کیفیت - متفاوتی دارند.



مترجمان، کمی دیر ترجمه قرآن به زبان فرانسه را شروع کردند. طبق جریان فکری مسلمانان سنت‌گرا در گذشته، آنان بر این باور بودند که احاطه به تمام وجوه قرآن که تنها خدا از آن آگاه است ناممکن است و از طرفی، غیرقابل تقلید و بی نظیر [=عجائزین] بودن آیات قرآن مانع از ترجمه آن می‌شود. در قرن بیستم مترجمان مسلمان از این جریان فکری خارج شدند و بدین ترتیب ترجمه‌های زیادی از قرآن به زبان‌های گوناگون ارائه شد. بنابراین، قرآن مانند تورات و انجیل^۳ برای یک جامعه

خاص نازل نشده و از چنان ارزش معنوی برخوردار است که بشریت مستحق شناخت محتوای آن است.

با این حال، اگر چه جریان فکری سنت‌گرا قدرت خود را از دست داده ولی کاملاً از بین نرفته است، چنان که هنوز افرادی، در برهه‌های مختلفی از زمان و در کشورهای متفاوت همچنان بر عقاید قبلی (ترجمه‌ناپذیری قرآن) پافشاری می‌کنند. برای مثال، محمود شعبان تونسسی^۴ در کتابی (۱۹۸۴: ۱۵۰) که به چاپ رسانده به مقابله و بررسی شش ترجمه فرانسه از قرآن - ماسون^۵، کازیمیرسکی، مازیغ، حمیدالله^۶، بلاشر و گروسژان^۷ - پرداخته و در آخر به این نتیجه رسیده که ترجمه متن مقدس قرآن غیر ممکن است. از نظر محمود شعبان مترجم

1. Kazimirski.
2. Mazigh.
3. Bible.
4. Mahmoud Chabaâne.
5. Masson.
6. Hamidullah.
7. Grosjean.

صرفاً می‌تواند تفاسیر قرآنی مهم یا مقبول را ترجمه کند یا اینکه خود بشخصه، تفسیری از قرآن به هر زبان که می‌خواهد، بنویسد!

شکل‌گیری این جریان فکری که گاهی اوقات با خشونت همراه شده به دلیل متن قرآن است که از لحاظ معناشناختی و زبان‌شناختی، گستره خارق العاده‌ای دارد و سطح آن بسیار بالاتر از هر متن ادبی دیگر با هر محتوایی است و درست به همین خاطر است که پیروان این جریان فکری همواره تلاش در جهت ترجمه قرآن را توهین به کلام الهی دانسته‌اند.

نکاتی که ذکر شد مانع از ترجمه مترجمان – مسلمان یا غیر مسلمان، معتقد یا غیر معتقد – نشد. مترجمان به این نکته واقف‌اند که ترجمه آنها در مقایسه با متن اصلی تقریبی است. مسئله اصلی، جوهره معنایی^۱ آیات است هرچند سبک نگارش نیز به همان میزان مسئله‌ساز است. قسمت‌هایی از چهار ترجمه‌ای که در این مقاله بررسی شده، نشانگر این قضیه هستند.

در این بررسی، دو ترجمه جدید به فرانسه از دو مترجم تونسی، صادق مازیغ و صلاح‌الدین کشرید و دو ترجمه قدیمی‌تر از رژیس بلاشر و کازیمیرسکی انتخاب شده است.

مشکلات ترجمه متن قرآن

اولین لازمه کار مترجم این است که با انجام خوانش‌های متفاوت بر روی تفاسیر معروف قرآن، به مستدل‌ترین و پربسامدترین تفاسیر در مورد هر سوره و آیه و نیز به شأن نزول تمام آیات کاملاً احاطه یابد؛^۲ چرا که تفاسیر متعددی وجود دارد و با توجه به وسعت متن مقدس قرآن، همچنان می‌توان با خوانش‌های متفاوت، تفاسیر بیشتری بر روی آن انجام داد. این کار پر زحمت در واقع پیش‌نیاز کار مترجم است و او قبل از انجام آن، هر قدر هم که به دو زبان مبدأ و مقصد مسلط باشد، باز هم قادر به ترجمه تعداد

1. nature sémantique.

۲. یادداشت نویسنده: ما نیز در این مقابله برای مقایسه این چهار ترجمه از نظر معنایی، به دو تفسیر معتبر رجوع کرده‌ایم؛ یکی کتاب قدیمی تفسیر بیضاوی و دیگری، تفسیری جدیدتر از مفسری تونسی به نام طاهر بن عاشور.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۶۷ □

زیادی از آیات نخواهد بود؛ زیرا قرآن شامل دو دسته از آیات است؛ آیاتی که معنای آنها آشکار است - آیات بیّنه - و آیاتی که محتوای آنها مبهم و دوپهلوست - آیات متشابهاً. بدین ترتیب آگاهی و شناخت از تفاسیر قرآن امری ضروری برای ترجمه آن است. با این حال، مترجمانی هستند که بدون دانش کافی در مورد تفاسیر قرآنی یا با بسنده کردن به تفاسیر ضعیف، به عبارتی کم بسامد و نامعتبر از نظر مفسران بزرگ و یا حتی بدون تسلط زبانی کافی به عربی یا فرانسه، به ترجمه قرآن دست زده‌اند و کارشان دچار دو گونه خطای تفسیری شده است: خطاهای فردی^۱ و خطاهای رایج.^۲

۱. خطاهای شخص مترجم



در این قسمت، انواع خطاهای شخصی موجود در ترجمه‌های چهار مترجم فوق‌الذکر - حتی اگر تعداد و ماهیتشان در هر یک از این ترجمه‌ها متفاوت بوده - نشان داده شده است. در اینجا به عنوان نمونه، سوره مدنی نور، سوره بیست و چهارم قرآن، شامل آیه ۶۴ در نظر گرفته شده است. این خطاها صرفاً مربوط به مترجم‌اند و انواع مختلفی دارند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) کاستن از معنا:^۳

آیه ۳۸: وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

فعل «يَرْزُقُ» به معنای «accorder à une créature tous types de biens moraux ou matériels» (بخشیدن هر نوع فضیلت مادی و معنوی به مخلوق) است.

کازیمیرسکی به این صورت ترجمه کرده است: "Dieu *donne la nourriture* à qui il veut" (خدا به هر که بخواهد روزی می‌دهد). [یعنی «بغیر حساب: بی اندازه یا بی حساب، در

1. erreurs personnelles.

2. erreurs d'ordre général.

3. erreur par rétrécissement du sens accrédité.

□ ۶۸ ترجمان وحی

ترجمه‌ها نیامده است.]

بلاشر، مازیغ و کشرید این فعل را به ترتیب "donner l'attribution à" (موهبت دادن) "donner ses biens à" (قریحه و استعداد ذاتی بخشیدن) و "donner ses biens à" (فضیلت دادن) ترجمه کرده‌اند.

ب) حذف: ۱

آیه ۴: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً»

فعل «جَلَدَ» به معنای "donner des coups de fouet" (تازیانه‌زدن) است. کازیمیرسکی، بلاشر و مازیغ دقیقاً به همین معنا آن را ترجمه کرده‌اند، ولی کشرید به این صورت ترجمه کرده است:

Ceux qui jettent une accusation d'adultère aux femmes chastes, donnez-leur quatre-vingts coups.

(آنان را که به زنان عقیف تهمت زنا می‌زنند هشتاد ضربه زنید).^۲

پ) ابهام در معنا: ۳

منظور از واژه عربی «مُحْصَنَات» زنان عقیف و متأهل است. بنابراین خواننده ای که زبان عربی نمی‌داند صرفاً از روی این واژه بدون هیچ توضیحی، معنای آن را نخواهد فهمید. با این حال، بلاشر بدون هیچ توضیح یا پانوشتی به صورت زیر ترجمه کرده است:

آیه ۲۳: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

ترجمه بلاشر:

Que ceux qui visent [en leur bonheur] *les muhsana* insoucieuses [mais] croyantes soient maudits en la [vie] immédiate et dernière.

1. erreur par omission.

۲. یادداشت مترجم: همان طور که مشاهده می‌شود، کشرید به جای «ضربه شلاق» گفته: «ضربه» و «شلاق» را حذف کرده است.

3. erreur par manque de clarté du sens exprimé.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۶۹ □

(باشد تا آنان که محصنات غافل [ولی] مؤمن را [به بی‌آبرویی] نشان می‌کنند، در [زندگی] فعلی و بعدی لعن شوند).

مازیغ، کازیمیرسکی و کشرید به ترتیب این‌گونه ترجمه کرده‌اند: [...]"femmes fortes de leur vertu" (زنان [...] پایدار در تقوا)، "femmes vertueuses" (زنان با تقوا) و "femmes chastes" (زنان عقیف).

(ت) ابهام در بیان معنا:^۱

آیه ۳۱: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ... آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ»

مازیغ این آیه را به این صورت ترجمه کرده است:

Dis de même aux croyantes qu'elles veillent à ne pas étaler leurs ornements sauf devant leurs époux... *leurs beaux-pères*..

(همچنین به زنان مؤمن بگو مواظب باشند که زینت‌های خود را به نمایش نگذارند مگر جلوی شوهرشان ... پدر شوهر / پدر زن / شوهر مادر / ناپدری شان).
در واژه «آباء بُعُولَتِهِنَّ» در زبان عربی هیچ ابهامی وجود ندارد و صرفاً به معنای «پدر شوهرشان» است در حالی که ترجمه این واژه به "beaux-pères" حتی با در نظر گرفتن متن، مبهم است به صورتی که خواننده فرانسوی متوجه نمی‌شود که زن می‌تواند جلوی پدرشوهرش زینت‌های خود را به نمایش گذارد یا جلوی شوهر مادرش، چرا که "beaux-pères" در فرانسه به هر دوی اینها اطلاق می‌شود.

کازیمیرسکی، بلاشر و کشرید برای اجتناب از این ابهام به ترتیب این واژه عربی را "père de leurs maris" (پدرشوهرشان)، "à leurs époux; ou à leurs pères" (همسران و پدرانشان) - متن ترجمه‌اش به روشنی نشان می‌دهد که منظور پدر شوهر است - و "le père de leur mari" (پدر شوهرشان) ترجمه کرده‌اند.

1. erreur par ambiguïté du sens exprimé.

□ ۷۰ ترجمان وحی

۲. خطاهای عمومی

اینها در واقع خطا نیستند بلکه بیشتر مربوط به تفاسیر گوناگون از آیات یکسانی هستند که

یک مفسر یا تعدادی از مفسران ارائه داده‌اند و مترجم صرفاً این تفاسیر را منتقل کرده است. بدین ترتیب، گاهی مترجمان از آیات یکسان، ترجمه‌های گوناگونی ارائه داده‌اند.

آیه زیر بهتر از آیات دیگر سوره نور نشانگر این موضوع است:

آیه ۵۳: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَهُ مَعْرُوفَهُ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

ترجمه مازیغ و کازیمیرسکی محتوای یکسانی دارد:

مازیغ:

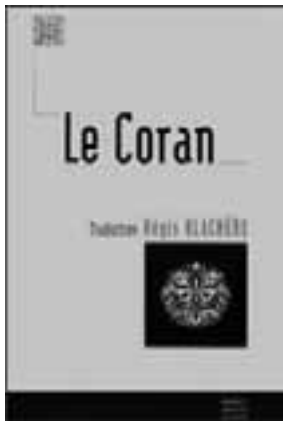
Ils jurent par Dieu leurs grands serments que si jamais tu leur en donnes l'ordre ils voleront aussitot au combat. Dis-leurs: "**Gardez vos serments! Ce qui compte, c'est d'obéir.** Dieu observe toutes vos actions".

(بزرگ‌ترین قسم‌ها را به نام خدا یاد می‌کنند که هرگاه تو آنها را فرمان دهی به جهاد می‌شتابند. به آنها بگو: «قسم‌هایتان را برای خود نگه دارید! آنچه به حساب می‌آید فرمانبرداری است. خدا تمام اعمالتان را زیر نظر دارد»).

کازیمیرسکی:

Ils ont juré, par le nom de Dieu, le plus solennel des serments, que si tu leur ordonnais de marcher au combat ils le feraient. Dis-leur: **Ne jurez point; c'est l'obéissance qui a un prix.** Dieu connaît vos actions.

(آنها به نام خدا قسم خورده‌اند، عهد و پیمان‌ها بسته‌اند که اگر آنها را به جهاد بخوانی، انجام دهند. به آنها بگو: هیچ قسم نخورید؛ فرمانبرداری است که ارزش دارد. خدا تمام اعمالتان را می‌داند).



ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۷) □

ولی ترجمه بلاشر نسبتاً تحت اللفظی و کمی مبهم است:

[Ces gens] ont juré par Allah, en des serments solennels, que si tu leur en donnes certes l'ordre, ils se mettront [en campagne] [**Prophète!**] **dis [-leur]:...** **Ne jurez point!** Obéissance reconnue [convenable]! Allah est bien informé de ce que vous faites

([این مردمان] به نام الله قسم یاد کرده‌اند، عهد و پیمان‌ها بسته‌اند که اگر آنها را فرمان دهی، البته که [برای مبارزه] آماده خواهند شد. [ای پیامبر!] [به آنها] بگو:.. هیچ قسم نخورید! فرمانبرداری به معنای واقعی کلمه [شایسته و بایسته] لازم است! الله به خوبی از آنچه می‌کنید باخبر است).

و ترجمه کشرید معنایی کاملاً متفاوت دارد:

Ils jurèrent de toute la force de leurs serments : "Si tu le leur ordonnais, ils sortiraient à coup sûr. Dis: '**Ne jurez donc pas! Votre façon (verbale) d'obéir est bien connue** Dieu est parfaitement au courant de ce que vous faites'"

(با بی‌پروایی به هر عهد و پیمانی قسم یاد کردند: «اگر آنها را فرمان دهی، با قدمهایی استوار خارج می‌شوند. بگو: «پس قسم نخورید! این شیوه [زبانی] فرمانبرداری شما دیگر معروف است. خدا کاملاً در جریان آنچه انجام می‌دهید، هست»).

۳. ضمایم^۱

موضوع خوانش‌های مختلف از قرآن و نیز نزول سوره‌های آن در موقعیت‌های متفاوت، باعث شده است که مترجمان به طرق گوناگون اطلاعات تکمیل‌کننده‌ای ضمیمه ترجمه کنند تا به این صورت، خواننده غیرعرب‌زبان و / یا غیرمسلمان معانی را بهتر بفهمد. شایان ذکر است که حتی خواننده مسلمان عرب‌زبان نیز به این اطلاعات نیاز دارد. ولی شاید نه همان گونه (همان موارد و همان توضیحات مکمل) که خواننده غیرعرب‌زبان غیرمسلمان - چرا که متن قرآن برای او واضح‌تر است.

برای مثال، ترجمه مازیغ در دو جلد که شامل ترجمه و متن اصلی است نشان می‌دهد که ترجمه وی شامل یادداشت‌هایی نیز هست که گاه درازای آنها از نصف صفحه به یک

1. Les compléments d'information.

□ ۷۲ ترجمان وحی

صفحه و نیم هم می‌رسد. در این یادداشت‌ها اغلب در مورد وقایعی که سوره‌های مختلف به آنها اشاره می‌کنند، توضیح داده شده و در بعضی موارد نیز به توضیح شأن نزول سوره‌ای خاص و یا برخی از آیات آن، پرداخته شده است. گاهی نیز این یادداشت‌ها به تکمیل یا توضیح حذفیات (نکات ضمنی) و / یا به توصیف تلمیحات (واقعه یا شخصی خاص) در بعضی سوره‌ها می‌پردازند. برای نمونه، در چهار ترجمه‌ای که از سوره نور در دست داریم، مترجمان توضیح نسبتاً کوتاهی در مورد علت نزول شانزده آیه نخست داده‌اند که بر اساس آن، عده‌ای از مسلمانان فقیر به عایشه، همسر محبوب پیامبر اکرم (ص) – که پدرش، ابوبکر (خلیفه اول مسلمین)، به آنها کمک مالی می‌کرد – تهمت زناکاری زدند که البته این ماجرا، نتیجه‌ای جز روسیاهی برایشان در پی نداشت.



و اما کازیمیرسکی و کشرید نیز همانند مازیغ در پایین صفحات یادداشت‌هایی نوشته‌اند که البته پاورقی‌های کازیمیرسکی در مقایسه با دو مترجم دیگر، بسیار کم تعداد و کوتاه است – یعنی برای سوره نور، در کل، به ترتیب: کازیمیرسکی چهار پاورقی و کشرید بیست پاورقی داده‌اند. شایان ذکر است که کشرید در میان یادداشت‌هایش – که درازای آنها بین یک تا بیست سطر متغیر است – در بعضی موارد تعابیر شخصی خود را با توجه به وضعیت مسلمانان فعلی (مثال: یادداشت شماره

۱، ص ۴۶۲) و گاهی هم تفاسیر متفاوت با محتوایی تقریباً یکسان (مثال: یادداشت شماره ۲، ص ۴۶۹) ارائه کرده است.

و بلاشر شیوه‌ای برگزیده که خیلی با بقیه تفاوت دارد. او سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول در پی هم چیده است؛ هرچند این کار غیرممکن است؛ چراکه متخصصان قرآن از زمان نزول برخی سوره‌ها مطمئن نیستند. علاوه بر این، بلاشر در قسمت پیش‌گفتار، فهرستی ارائه کرده که شامل توضیحاتی از نظر تاریخی و موضوعی در مورد سوره‌ها و همچنین عنوان آنهاست؛ به این ترتیب خواننده فرانسوی غیرمسلمان به طور شفاف‌تری معانی را درمی‌یابد.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۷۳ □

بلاشر همچنین هر سوره را طبق موضوعاتی که در آن بدانها پرداخته شده، تقسیم‌بندی کرده و به هر یک از این قسمت‌ها عنوانی داده است. از سوی دیگر، وی در مقدمه‌ای که بر قرآن - جدا از ترجمه‌اش - نوشته به توضیح مشخصه اصلی این متن مقدس، یعنی موضوع تفسیرپذیری نامحدود تعداد زیادی از آیات قرآن پرداخته و اغلب در میان ترجمه‌اش، دو یا سه نمونه از تفاسیر معروف‌تر را هم نقل کرده است - که به وسیله خطی از ترجمه جدا شده‌اند، یا در کنارشان حروف الفبا نوشته شده است - مثلاً در همین سوره مراجعه کنید به آیه ۳۶، ص ۱۰۱۳-۱۰۱۴. او همچنین برای هر سوره، در پایین صفحات پاورقی‌های متعددی داده که بعضی از آنها خیلی طولانی‌اند (مثال: یادداشت شماره ۳۵، صفحه ۱۰۱۲-۱۰۱۳؛ این یادداشت با فونت ریز بیش از یک صفحه است). محتوای این پاورقی‌ها متفاوت است؛ بلاشر در پاورقی‌ها علاوه بر نکاتی که سایر مترجمان در یادداشت‌های خود ذکر کرده‌اند، وجه تشابه بعضی قسمت‌های انجیل و شعرهای عربی پیش از اسلام با قرآن را نیز بیان کرده است (مثال: یادداشت شماره ۳۵ به تفسیر تمثیل به کار رفته در آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» است...) می‌پردازد که نام این سوره نیز از همین تمثیل گرفته شده است).

مشخصه‌های نگارشی^۱

این چهار مترجم علاوه بر ضمایم از شیوه‌های دیگری نیز بهره گرفته‌اند تا بدین وسیله کمبودهایی را که موجب اشکال در فهم معنا می‌شوند، جبران کنند و یا اینکه آیه را شفاف‌تر سازند. این افزودنی‌ها^۲ بعضاً ناگزیر^۳ و بعضاً اختیاری^۴ به علت مسائل معناشناختی و یا نگارشی اضافه می‌شوند؛ در آیات ۱۰، ۲۰ و ۴۰ سوره نور نمونه‌هایی از این موارد را می‌بینیم.

۱. افزودنی‌ها یا ضمیمه‌های اطلاعاتی اجباری

آیه ۱۰: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ»

1. Les Spécificités Stylistiques.
2. ajouts.
3. obligatoire.
4. facultatif.

آیه ۲۰: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَوْفٌ رَحِيمٌ»

«لَوْ لَا» معادل ("si" اگر) است. جمله‌ای که «لَوْ لَا» در آن استفاده می‌شود دارای دو عبارت پایه^۱ و پیرو^۲ است که در واقع عبارت پیرو جوابی برای عبارت پایه است. این نوع نگارش کلاسیک در قرآن رایج است، به این صورت که صرفاً عبارت پایه معنایی صریح^۳ و عبارت پیرو معنای ضمنی^۴ دارد. این پیچیدگی کلامی^۵ یا گونه ادغامی^۶ در زبان فرانسه وجود ندارد؛ بنابراین اگر عیناً به همین صورت به فرانسه ترجمه شود، نامفهوم می‌ماند. با این حال، کشرید عمداً این شیوه را به کار گرفته و همان طور که در مقدمه ترجمه‌اش بر قرآن توضیح داده است، قصدش وفاداری به سبک نگارش قرآن بوده تا از این طریق خواننده غیرعرب‌زبان با آن آشنا شود. او آیه ۱۰ را به این صورت ترجمه کرده است:

"Sans la générosité que vous devez à Dieu en même temps que sa miséricorde et n'était la facilité de Dieu à accepter votre repentir ainsi que sa sagesse..."

Note: «Sous-entendu: "Qu'advierait-il de vous?"».

(بدون فضل خدا بر شما و در عین حال رحمت او و آسان‌گیری خدا در پذیرفتن توبه‌تان و نیز حکمت او نمی‌بود...)

(یادداشت: «معنای ضمنی: چه بر سرتان می‌آمد؟»)

او آیه ۲۰ را نیز همین‌گونه ترجمه کرده است:

"N'étaient la générosité que vous devez à Dieu ainsi que sa miséricorde et si Dieu n'était pas plein de compassion et de clémence..."

Note: «Sous-entendu: "Vous auriez subi des tourments énormes"».

"N'eussentete la faveur d'Allah envers vous et sa miséricorde et [n'et ete]

(فضل خدا بر شما نمی‌بود و نیز رحمتش و اگر خدا سرشار از رأفت و

-
1. principale.
 2. subordonnée.
 3. explicite.
 4. implicite.
 5. tournure en suspens.
 6. forme d'ellipse.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۷۵ □



رحم نمی بود...)

(یادداشت: «معنی ضمنی: مجازات سختی را متحمل

می شدید»)

بلاشر نیز خیلی به نگارش عربی وفادار مانده و حتی

تحت اللفظی تر از کشید ترجمه کرده است. او در قسمت

پاورقی، ویژگی تلویحی بودن جمله عربی به کار رفته در

آیه ۱۰ را بیان کرده و در مورد آیه ۲۰ با همین ویژگی، در

یادداشت مخصوص به آن، خواننده را به پاورقی مربوط

به آیه ۱۰ ارجاع می دهد:

آیه ۲۰:

"N'eussent été la faveur d'Allah envers vous et sa miséricorde et [n'eût été] qu'Allah est indulgent et miséricordieux."

Note: "20: Même trait vt.10; V. la note" (Blachère 1950:1007)

(لطف الله بر شما نمی بود و رحمتش و [نمی باشد] بغیر از خدا اینچنین با گذشت و رحیم)

(یادداشت: «۲۰: همان ویژگی نوشته شده در پاورقی مربوط به آیه ۱۰»)

ولی نکته عجیب در کار هر دو مترجم این است که هیچ یک در پاورقی هایشان توضیحی

در مورد این خصوصیت نگارش عربی (تلویحی بودن بعضی قسمت ها به ویژه عبارات پیرو

در جملات شرطی) - علی رغم تکرار آن - برای خواننده فرانسوی ننوشتند! حال آن که هر

دو در مورد برخی مسائل زبان شناختی قرآن زیرنویس داده اند.

دو مترجم دیگر به نگارش عربی وفادار نمانده اند؛ کازیمیرسکی به زبان فرانسه کلاسیک^۱

- شایان ذکر است که کازیمیرسکی ترجمه خود را اولین بار در سال ۱۸۲۰ به چاپ رساند - و

مازیغ به زبان فرانسه معاصر^۲ ترجمه کرده اند. آنها همچنین شیوه ای متفاوت برای تصریح

معانی ضمنی در پیش گرفته اند و به جای پاورقی دادن، اطلاعات تکمیلی را به متن ترجمه

اضافه کرده اند به طوری که خواننده فرانسوی به هیچ وجه نمی تواند متوجه سبک نگارشی

1. français classique.

2. contemporain.

□ ۷۶ ترجمان وحی

زبان عربی شود. مثال:

آیه ۱۰:

کازیمیرسکی:

"Si ce n'était là grâce inépuisable de Dieu et sa miséricorde, *il vous punirait à l'instant*, mais il aime à pardonner, et il est miséricordieux."

(اگر بخشاینده‌گی جاودان خدا و رحمتش نمی‌بود، در دم مجازاتتان می‌کرد؛ ولی او دوست دارد ببخشد، و او رحیم است.)

مازیغ:

"*Ces dispositions temoignent, en vérité*, de la grâce manifeste et de la bonté du Seigneur envers vous. Dieu est si enclin au pardon, d'une si indulgente sagesse."

(این منش، در حقیقت، گواه بر بخشاینده‌گی و احسانی است که خداوندگار نسبت به ما دارد. خدا بی‌اندازه راغب به بخشایش است و حکمتی بی‌حد و حصر دارد.)

آیه ۲۰:

کازیمیرسکی:

"Si ce n'était la grâce inépuisable de Dieu et sa miséricorde, *il vous punirait*; mais il est humain et miséricordieux."

(اگر بخشاینده‌گی جاودان خدا و رحمتش نمی‌بود، مجازاتتان می‌کرد؛ ولی او بزرگواری و رحیم است.)

مازیغ:

"N'eût été la grace de Dieu envers vous et sa miséricorde, *vous auriez déjà subi ses rigueurs*. Mais Dieu est si bon, si compatissant."

(بخشاینده‌گی خدا و رحمتش نسبت به شما نمی‌بود، حتماً تاکنون دچار خشمش شده بودید. ولی خدا بی‌اندازه خوب و رئوف است.)

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه □ ۷۷

۲. افزودنی‌های اختیاری

مترجمان علاوه بر افزودنی‌های ناگزیر که خواننده فرانسوی برای فهم درست پیام به آنها نیاز دارد، شیوه‌ای دیگر نیز به کار می‌گیرند تا محتوای آیات روشن‌تر شود. به آیه زیر توجه کنید:

آیه ۵۰: أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا...

در میان این چهار مترجم، تنها مازیغ سعی کرده با ترجمه‌ای که تا حدی تصریحی است، معنای این آیه را روشن‌تر سازد. او واژگان "profond" (عمیق) و "authenticite du Message" (درستی پیام خدا) را که جزو معانی ضمنی این آیه هستند، به ترجمه اضافه کرده است:

"Leur coeur serait-il le siege d'un mal *profond*? Douteraient-ils de l'*authenticité du Message*? [...]"

(آیا مرضی در قلبشان رخنه کرده؟ آیا به درستی پیام خدا شک دارند؟)

این نوع افزودنی‌های اختیاری به منظور قابل نفوذ تر ساختن معنای آیات برای خوانندگان هستند و از طرفی این شیوه از ویژگی‌های خاص ترجمه مازیغ محسوب می‌شود؛ او نه تنها در سوره نور بلکه در تمام سوره قرآن همین روش را به کار برده است.

در این زمینه، ترجمه کازیمیرسکی در رتبه دوم قرار می‌گیرد. کشرید و مخصوصاً بلاشر از آنجا که تقریباً سبک نوشتاری عربی را حفظ کرده‌اند، توضیحات کمتری در داخل ترجمه خود آورده‌اند. سبک ترجمه بلاشر آن‌چنان به متن اصلی شباهت دارد که معنای آیات برای خواننده فرانسوی تقریباً نامفهوم است و اگر پاورقی‌ها نمی‌بود حتی خواننده مسلمان غیر عرب‌زبان هم نمی‌توانست معنای آیات را درک کند. مثال:

آیه ۶۳: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»

ترجمه بلاشر:

"Ne faites point de l'appel de l'Apôtre [lancé] parmi vous, comme [vous

faites] de votre appel réciproque."^۱

(هرگز پیامبر [فرستاده شده] را در میان خود نخوانید، همان‌گونه که [خود] همدیگر را می‌خوانید).

پاورقی شماره ۶۳ در توضیح این آیه (ص ۱۰۲۲-۱۰۲۱ و بقیه صفحات):

63. Du'a r-rasuli, "de l'appel de l'Apôtre". Les commt. glosent par nidâ'a, "apostrophe". Il peut s'agir aussi bien d'une convocation que d'une invitation; le sens semble donc être: Ne considérez pas que l'appel ou la convocation du Prophete ne merite pas plus d'égards que l'appel réciproque que vous vous lancez. Autre sens: N'usez pas pour appeler le Prophète, des apostrophes dont vous vous servez entre vous.

دُعَاء الرَّسُول، "de l'appel de l'Apôtre" مفسران آن را به معنای «ندا» در نظر گرفته‌اند. ممکن است علاوه بر «خواندن» بر «فراخواندن» نیز دلالت کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که یک معنایش چنین باشد: فکر نکنید که نباستی خواندن یا فراخواندن پیامبر محترمانه تر از آنچه باشد که در میان خود همدیگر را بدان می‌خوانید. و معنای دیگر از این قرار است: پیامبر را آن‌گونه که همدیگر را مورد خطاب قرار می‌دهید، صدا نکنید.

۳. ترجمه تحت‌اللفظی یا وفاداری به متن عربی

الف. وفاداری به واژه^۲ یا جمله^۳

ترجمه بلاشر شدیداً تحت اللفظی است و این ویژگی در ترجمه کشرید نیز به وضوح قابل مشاهده است. ترجمه تحت اللفظی همیشه آن قدرها هم مانع فهم معانی آیات نمی‌شود؛ با این همه، به نظر باعث غیرطبیعی و عجیب شدن زبان مقصد می‌شود و بدین ترتیب، تأثیر خوبی بر خواننده نمی‌گذارد! به نمونه‌ای از ترجمه بلاشر در سطور

۱. یادداشت نویسنده: آنچه که نه تنها باعث ایجاد مشکل در این متن مقدس نمی‌شود بلکه غنای معنایی آن را نشان می‌دهد، همین خوانش‌های متفاوتی است که می‌توان روی آن انجام داد. این موضوع باعث شده تا بسیاری از متخصصان بر این عقیده باشند که قرآن هرگز کتابی ایستا نیست بلکه همواره می‌توان مطابق زمان و مکانی که در آن قرار گرفته، تفسیرهای گوناگون و جدیدی از آن ارائه کرد.

2. terme.

3. expression.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۷۹ □

زیر دقت کنید:

آیه ۱۶: «وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ»

"Quand vous avez entendu [cette calomnie] que n'avez-vous dit: "Il n'est point de nous de parler de cela [Seigneur!], gloire à Toi! C'est une immense infamie (buhtan)!"



(وقتی [این تهمت] را شنیدید نگفتید: بر ما نیست تکلم به آن [خداوندگارا]! ستایش برای توست! این تهمت (بهتان) بزرگی است!)

جمله فرانسه مشخص شده در ترجمه، تقریباً برابر جمله عربی درشت نوشته شده در آیه است. همچنین همان طور که مشاهده می شود، مترجم به قدری به زبان عربی وفادار بوده است که معادل عربی واژه "infamie" را در کنار آن داخل پرانتز آورده است که البته هیچ فایده‌ای برای خواننده فرانسوی که عربی نمی‌داند، ندارد. او

همچنین در مورد برخی آیات دیگر به همین صورت عمل کرده و واژه‌های عربی را در متن ترجمه داخل پرانتز ذکر کرده است: ۱۱ (كَسَبَ)، ۳۷ و ۵۵/۵۶ (زَكَاتَ)، ۴۴/۴۵ (دَابَّةَ)، ۵۹/۶۰ (حَرَجَ) و ۶۳ (فِتْنَه). بلاشر همچنین واژه عربی معادل "verset" «آیه»^۱ را، بدون هیچ ترجمه یا توضیحی در پاورقی به صورت ایتالیک در متن ترجمه‌اش (آیه ۱ و آیات ۵۷/۵۸) آورده است.

ب. وفاداری به زمان افعال

بلاشر و کشرید در خصوص ترجمه جملات به زبان عربی وفادار بوده‌اند. به علاوه، کشرید - برخلاف مترجمان دیگر - در به کارگیری زمان افعال نیز به متن اصلی وفادار مانده است. او برخلاف زبان مقصد، به ویژگی‌های زبان مبدأ توجه زیادی داشته و این مهم را در

1. aya.

□ ۸۰ ترجمان وحی

مقدمه ترجمه‌اش به روشنی توضیح داده است؛ ولی با این حال از نظر ما، این موضوع باعث غیرطبیعی شدن متن شده است. مثال:

آیه ۲۷: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ [...]

ترجمه کشرید:

"*Ô vous qui avez cru!* N'entrez pas dans des maisons autres que les vôtres avant de [...]"

(ای کسانی که ایمان آوردید! وارد نشوید مگر به خانه‌های خود [...]).

آنچه در نگاه اول به چشم می‌آید، استفاده از *passé composé* به عنوان معادل فعل ماضی به کار رفته در این آیه است. با این حال، صرف فعل «*آمَنَ*» (ایمان آوردن) در زمان *passé composé* در این ترجمه، معنای بیان شده در زبان مبدأ را، با توجه به محتوای خاص این آیه، تغییر داده است. در واقع، این‌گونه برداشت می‌شود که خدا مردمانی را مخاطب قرار داده که در گذشته ایمان آورده‌اند و بعداً ایمان خود را از دست داده‌اند، در حالی که در عربی این نوع فعل، ماضی نقلی^۱ است که بنا بر تعریف، اثرش باقی می‌ماند و همچنان ادامه دارد؛ لذا منظور کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و هم‌چنان مؤمن هستند و این شامل هر سه زمان ماضی، حال و آینده می‌شود؛ بنابراین منظور تمام مؤمنانی‌اند که در گذشته، حال، آینده و تا ابدالدهر ایمان آورده‌اند یا خواهند آورد. بلاشر و مازیغ، با استفاده از فعل مضارع در ترجمه خود، به خوبی توانسته‌اند این معنا را بیان کنند "Ô" "*vous qui croyez!* ای کسانی که ایمان دارید!". بلاشر نیز با استفاده از یک اسم همین معنا را منتقل کرده است "*Ô croyants!*" (ای مؤمنان!).

بدین ترتیب، برای آیه ۳۹ «*وَالَّذِينَ كَفَرُوا*» نیز باید به نکته فوق‌الذکر توجه داشت.

در این مورد تنها کشرید فعل *passé composé* را جایگزین کرده *ont* "Et ceux qui

mécru" و کسانی که کافر شدند) - بلاشر از زمان مضارع استفاده کرده "Les actions de

ceux [au contraire] qui sont infidèles" [برعکس] اعمال کسانی که ناپایبندند) - و

"Pour les کازیمیرسکی و مازیغ از معادلی در نقش اسم بهره گرفته‌اند - به ترتیب

1. passe apparent.

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۸۱ □

"incrédules" (برای کافران) و "Quant aux mécréants" (در مورد بی‌ایمانان).

۴. رعایت خصوصیات زبانشناختی زبان فرانسه

بر خلاف بلاشر و کشرید که سبک نگارش متن عربی را حفظ کرده‌اند و ترجمه‌ای تحت‌اللفظی ارائه داده‌اند، کازیمیرسکی و مخصوصاً مازیغ بیشتر به زبان مقصد توجه کرده‌اند و با وجود حدود یک قرن و نیم فاصله بین این دو نوع ترجمه، هر کدام به سبک نگارشی فرانسه دوره خود نوشته شده است.

در واقع، نگارش کازیمیرسکی برای خواننده فرانسوی امروزی، در مقایسه با فرانسه رایج، نوشتاری ادبی با فرانسه‌ای کلاسیک و فاخر به شمار می‌آید. برعکس، ترجمه مازیغ که تنها حدود بیست سال از چاپش می‌گذرد، به فرانسه مدرن و در عین حال ادبی نوشته شده است. از طرفی اگر به سبک نگارش ترجمه‌های مازیغ و کازیمیرسکی کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، به نظر می‌رسد که در ترجمه مازیغ، به ویژه در خصوص تنوع واژگان و جملات و همچنین حروف ربط،^۱ دقت بیشتری به کار رفته است.

الف: واژگان

در زمینه واژگان، «علیم» مثالی شایان توجه است. این واژه ده بار در سوره نور به کار رفته و مازیغ هشت معادل متفاوت جایگزین آن کرده؛ یعنی تنها یکی از معادل‌ها تکراری بوده است. کشرید و کازیمیرسکی هم به ترتیب هفت و پنج معادل جایگزین این واژه کرده‌اند، حال آنکه بلاشر تنها یک معادل گذاشته و هشت بار واژه "omniscient" (بسیار دانا) را تکرار کرده است. آیا این به خاطر وفاداری به متن اصلی بوده است؟ از طرف دیگر، مازیغ، کازیمیرسکی و کشرید واژه «علیم» را به ترتیب "omniscient" (بسیار دانا)، "savant" (دانا) و "sachant" (آگاه) ترجمه کرده‌اند و گاهی هم جملات متفاوتی را معادل این واژه قرار داده‌اند.

1. charnières.

ب: جملات

بلاشر و کشرید در مورد ترجمه جملات، به زبان مبدأ وفادار بوده‌اند؛ مثلاً هر دو برای جمله «حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» که در آیات ۳۲ و ۳۳ به کار رفته، تنها یک ترجمه ارائه کرده‌اند. بنابراین، بلاشر و کشرید به ترتیب آن را "Allah les fera se suffire par sa faveur" (الله با لطف خود آنها را کفایت خواهد کرد) و "Dieu les enrichira de sa générosité" (خدا از فضل خود آنها را غنی خواهد کرد) ترجمه کرده‌اند. بر عکس، مازیغ و کازیمیرسکی برای جلوگیری از تکرار، هر کدام دو ترجمه متفاوت از این جمله ارائه کرده‌اند؛ چراکه در زبان فرانسه معمولاً از تکرار پرهیز می‌شود.

پ. حروف ربط

و اما در مورد حروف ربط، مازیغ بیش از سایر مترجمان به جای عطف‌های تلویحی در متن اصلی، حروف ربط تصریح کننده آورده است. او همچنین به جای عطف‌های تکرار شده در عربی از حروف ربط گوناگونی استفاده کرده است. بدین ترتیب، نگارش وی فرانسه تراست و جملاتش به آهنگ و قواعد زبان فرانسه نزدیک تر است تا به عربی. در پایین مثالی از دو آیه پیاپی آمده است:

آیه ۳۰: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»
 آیه ۳۱: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أُنْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»
 ترجمه آیه ۳۰:

"Dis aux croyants de tenir leurs yeux pudiquement baissés."

(به مؤمنان بگو چشم‌هایشان را محجوبانه فروگیرند.)

ترجمه آیه ۳۱:

"Dis de même aux croyantes de baisser non moins pudiquement leurs regards."

(همین‌طور به مؤمنان بگو به همان اندازه نگاه‌هایشان را فروگیرند.)

اگر این ترجمه را با ترجمه سه مترجم دیگر مقایسه کنیم، می‌بینیم که ترجمه‌های بلاشر و کازیمیرسکی فاقد حرف ربط‌اند و به صورت دو جمله مستقل ترجمه شده‌اند

ترجمه قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۸۳ □

که اول هر یک شماره آیه ذکر شده و در نتیجه دو جمله از هم جدا شده‌اند. اما کشید در ترجمه‌اش از حرف ربط "et" استفاده کرده که معادل حرف ربط "و" در عربی است و این‌گونه دو آیه را به هم پیوند داده است.

نتیجه

اینها تنها نمونه‌هایی بودند که مسلماً نمی‌توانند به طور کامل نشانگر خصوصیات سبک نگارش این چهار مترجم باشند. با توجه به مثال‌ها، نظر به اینکه کشید و مخصوصاً بلاشر به زبان مبدأ، و کازیمیرسکی و مازیغ به زبان مقصد وفادار بوده‌اند می‌توان گفت که هر یک از این مترجمان تعریف متفاوتی از موضوع وفاداری در ترجمه داشته‌اند. طبیعتاً تأثیر هر ترجمه بر خواننده متفاوت است و میزان این تأثیر، با توجه به شفافیت معنای منتقل شده و سبک نگارشی به کار گرفته شده در ترجمه - که مسلماً این دو در مقایسه با متن اصلی به گونه‌ای متفاوت ارائه شده‌اند - متغیر است. با این همه، و بدون از یاد بردن کیفیت برتر نگارش قرآن که معجزه‌ای بی نظیر است، می‌توان گفت بعضی ترجمه‌ها از جمله ترجمه مازیغ از نظر سطح نگارشی و شفافیت در بیان معانی، به حدی رسیده‌اند که آنها را جزو بهترین ترجمه‌های قرآن در دنیا می‌دانند.

علی‌رغم غیر قابل تقلید بودن قرآن، این مترجمان - مسلماً بهترین‌ها - به شایستگی توانسته‌اند تا حدی در ساختار متن قرآن نفوذ کنند و در نتیجه به روشنی به بیان مفاهیم بپردازند. در واقع، علاوه بر تعدد تفاسیر معتبر که خواننده بایستی برای فهم بهتر قرآن آنها را بخواند، عربی به کار رفته در قرآن نیز امروزه بسیار کلاسیک و نامرسوم به شمار می‌آید که حتی خواننده عرب‌زبان برای فهم متن قرآن باید کاملاً به آن مسلط باشد.

برعکس، به نظر لزومی ندارد که خواننده فرانسوی برای خواندن ترجمه قرآن به همان میزان (مانند یک عرب زبان به زبان عربی) به زبان فرانسه تسلط داشته باشد و تنها شناخت خوبی از این زبان کفایت می‌کند؛ چراکه ترجمه‌های جدید قرآن به فرانسه معاصر نوشته می‌شوند و دیگر از فرانسه کلاسیک که فهمش سخت است در ترجمه‌ها استفاده نمی‌شود.

بنابراین، دیگر کسانی که زبان عربی را در حد خواندن قرآن نمی‌دانند، از یک

متخصص نمی‌خواهند تا آن را برایشان توضیح دهد بلکه مستقیماً با خواندن ترجمه فرانسۀ قرآن، می‌توانند مفاهیم این کتاب مقدس را دریابند.

با توجه به این مهم، مسلماً سؤالاتی در خصوص کیفیت، سندیت و یا وفاداری ترجمه پیش می‌آید. البته وفاداری در ترجمه موضوعی پیچیده است و همان‌طور که در این مقاله دیدیم مترجمان به منظور وفاداری در ترجمه، دو شیوه برگزیده بودند: ۱. ترجمه به شیوه تحت‌اللفظی همانند ترجمه کشرید و مخصوصاً بلاشر، ۲. ترجمه غیرتحت‌اللفظی مانند ترجمه کازیمیرسکی و مازیغ. مسلماً ما شیوه دوم را ترجیح می‌دهیم.

به نظر ما ترجمه وفادار، ترجمه‌ای است که در چهارچوب زبان مقصد، با نگارشی معادل سبک نگارشی متن اصلی، همان تأثیری را که متن اصلی بر خواننده عرب‌زبان گذاشته، بر خواننده خود بگذارد و به روشنی به بیان مفاهیم مطرح شده در متن اصلی بپردازد؛ در حالی‌که با توجه به بررسی‌های ما در این مقاله، ترجمه تحت‌اللفظی علاوه بر اینکه از نظر نگارشی ثقیل و حتی گاهی عجیب است، ممکن است باعث ایجاد ابهام در کل پیام و یا قسمتی از آن و بدین ترتیب، مانع فهم خواننده شود. این فهم یا رمزگشایی آیات قرآن در ترجمه‌های تحت‌اللفظی تنها به کمک یادداشت‌های تصریح‌کننده مترجم میسر است که ترجمه را صرفاً از نظر معنایی نجات می‌دهند. با این حال چنین ترجمه‌ای از نظر نگارشی ناقص و نامطلوب است. بنابراین، تقلید از سبک نگارش متن اصلی چه فایده‌ای دارد؟ آیا تقلید از طریق ارائه ترجمه‌ای تحت‌اللفظی، باعث [پی بردن به] زیبایی متن قرآن می‌شود؟

ترجمة قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه ۸۵ □

منابع:

Blachere, R. (1950): *Le Coran: traduction selon un essai de reclassement des sourates*, vol.1, Paris, Librairie Orientaliste et Américaine, G.P. Maisonneuve & Cie.

— (1991): *Introduction au Coran*, 2e éd., Paris, Maisonneuve et Larose.

Chabaane, M. (1984): *Aïna Min al Koraan tarajimou al Koraan*, Tunis, tabatou al qawmiyya linnachr.

Kazimirski (1970): *Le Coran*, Paris, Flammarion.

Kechrid, S. (1990): *Le Coran*, 5e éd., Beyrouth, Dar El Gharb Al Islami.

Mazigh, S. (1979): *Le Coran*, Tunis, Maison Tunisienne d'Édition.

■